

برنامه ریزی راهبردی توسعه بخش کشاورزی در شهرستان ابركوه

دریافت مقاله : ۱۳۸۹/۴/۲۱ پذیرش مقاله : ۱۳۸۹/۸/۳

صفحات: ۲۹-۴۹

علیرضا زارع شاه آبادی: استادیار گروه جغرافیا دانشگاه یزد^۱

Email: azare@yazduni.ac.ir

اکبر زارع شاه آبادی: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد

Email: akzare@yazduni.ac.ir

سمانه صمیمی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد

Email: ssamimi@gmail.com

محمدامین خراسانی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

Email: mohammadamin.khorasani@gmail.com

چکیده

بخش کشاورزی به عنوان یکی از زمینه‌های توسعه مناطق می‌تواند در کاهش شکاف منطقه‌ای و برقراری توازن و تعادل و بهبود شاخص‌های توسعه در نواحی مؤثر باشد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که شهرستان ابرکوه چه قابلیت‌هایی در بخش کشاورزی دارد و چگونه می‌توان این بخش را در این منطقه رونق بخشید. نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش بررسی آن کتابخانه‌ای و پیمایشی می‌باشد. با بهره‌گیری از مدل SWOT که از جمله مهم‌ترین مدل‌های برنامه ریزی راهبردی محسوب می‌شود، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای بخش کشاورزی و دامداری در این منطقه بررسی شد و پس از آن از مدل مکمل QSPM برای اولویت بندی راهبردها و تعیین مناسبترین راهبرد بهره گرفته شد. بر اساس نتایج تحقیق، ساماندهی کانون‌های تولید و فضاها و سکونتگاه‌های روستایی، فراهم کردن بستر مناسب جهت به کارگیری نیروهای جوان و متخصص در بخش، واگذاری بخشی از امور اجرایی و تحقیقاتی به بخش خصوصی و افزایش مشارکت پذیری به ترتیب مهم‌ترین راه‌های توسعه کشاورزی و دامداری در این منطقه می‌باشد.

کلید واژگان: راهبرد، کشاورزی و دامداری، مدل SWOT، مدل QSPM، شهرستان ابرکوه

^۱. نویسنده مسئول: یزد- صفاییه- جنب دانشگاه یزد- کوی اساتید- خیابان ادب- پلاک ۶۵

مقدمه

بخش کشاورزی در تحکیم پایه های اقتصادی کشورهای رو به رشد و در حال گذار نقشی اساسی ایفا می کند. از آنجا که بخش کشاورزی از نظر تامین نیازهای غذایی مردم، تامین مواد اولیه صنایع، اشتغال افراد و ایجاد درآمد اهمیت دارد، ثبات و استمرار بخش کشاورزی از عوامل عمده کمک کننده به ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه به شمار می آید (Irish Leader Network, 2000, p 24). از سوی دیگر به دلیل این که کشاورزی نقش مهمی در ایجاد امنیت غذایی در سطح ملی و محلی دارد و فرصت هایی برای استخدام و درآمد فراهم می آورد و به عنوان شغل اصلی در روستاهای ایران شناخته می شود، توجه به ارتقای بهره وری و میزان بازده در واحد سطح و در نهایت توسعه کشاورزی به منظور محقق ساختن توسعه ملی از اهمیت بالایی برخوردار است (اسکندری و دین پناه، ۱۳۸۵: ص ۱۱). بخش کشاورزی در ایران مانند هر کشور در حال توسعه دیگر، نقش اساسی در توسعه اقتصادی به عهده دارد که نادیده گرفتن آن نه تنها موجب رکود کشاورزی می شود بلکه به عاملی بازدارنده در جهت توسعه اقتصادی تبدیل می گردد (نوری نائینی، ۱۳۷۲: ص ۳۱). از خصال کشاورزی کشورهای کم توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی پیشرفته، که دارای بخش کشاورزی پیشرفته ای هم هستند، گذشته از سطح فن شناسی، نحوه بهره برداری و کارآمدی نیروی کار یکی نیز به روابط قیمت و درآمد در بخش کشاورزی و رابطه آن با بخش های بیرونی کشاورزی مربوط می شود (رئیس دانا، ۱۳۷۲: ص ۳۷). در بخش کشاورزی علاوه بر تولید مواد غذایی، مسئله جلوگیری از ضایعات و حفظ و نگهداری مواد غذایی از طریق بسته بندی مناسب و فرآوریهای صنعتی می تواند تا حدود زیادی راهگشای مشکلات فعلی باشد. لذا صنایع غذایی به عنوان صنعتی وابسته و مرتبط با بخش کشاورزی می تواند یاری دهنده و مکمل فعالیتهای بخش کشاورزی به شمار آید و در این راستا نقش بسیار مهمی را در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و مواد غذایی به عهده گیرد (ورزگر، ۱۳۷۲: صص ۱۳۱-۱۳۰).

مبانی نظری

دستیابی به توسعه و به ویژه توسعه پایدار کشاورزی، نیازمند برنامه ریزی اصولی و کارآمد و اجرای دقیق آن برنامه است. این مهم در گرو آگاهی دقیق از امکانات، فرصت ها، توان ها و محدودیت هایی است که در رسیدن به وضعیت مطلوب با آن مواجهیم. در دهه های اخیر، روند بهره گیری از توان ها و پتانسیل های محیطی به سبب الگوی مدیریتی نادرست به خوبی طی نشد و این مسئله تخریب منابع آب و خاک، کاهش ظرفیت محیطی و به تبع آن بحران های

اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شدیدی را به همراه داشته است (نوروزی آورگانی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۹۲). کشاورزی باید بتواند نقش بایسته خود را در موازنه بازرگانی ایفا کند. کمک کشاورزی به تامین مواد غذایی و توسعه منطقه ای و نیز کمک به حفظ سلامت محیط روستایی از دیگر وظایف مهم این بخش است. همچنین بر اهمیت کشاورزی به عنوان یک بخش مهم به کار گیرنده نیروی کار تاکید شده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۸۸).

بخش کشاورزی در تحکیم پایه های اقتصادی کشورهای رو به رشد و در حال گذار نقشی اساسی ایفا می کند. از آنجایی که بخش کشاورزی از نظر تامین نیازهای غذایی مردم، تامین نیازهای اولیه صنایع، اشتغال افراد و ایجاد درآمد اهمیت دارد، ثبات و استمرار رشد بخش کشاورزی از عوامل عمده کمک کننده به ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه به شمار می آید (Irish LEADER Network, 2000, 25). بخش کشاورزی همچنان یکی از بخش های مهم اقتصاد کشور در گذران تاریخ بوده و هست و همچنان خواهد بود و با اطمینان می توان گفت در هر شرایطی، توسعه بخش کشاورزی پیش شرط و نیاز ضروری اکثر کشورها از جمله کشور ما می باشد و تا موانع توسعه در این بخش از میان برداشته نشود، سایر بخش ها نیز به شکوفایی و رشد و توسعه دست نخواهند یافت و این موضوعی است که تجربه مثبت و منفی کلیه کشورهای جهان اعم از پیشرفته و صنعتی و در حال توسعه آن را تایید می کند (آسایش و قنبری، ۱۳۸۵: ص ۳۲).

اگر این واقعیت پذیرفته شود که حیات جامعه وابسته به کشاورزی و منابع تولیدی است، ناگزیر این ضرورت پیش خواهد آمد که کشاورزی به عنوان محور در مدیریت اقتصاد ملی تلقی شود. به منظور دستیابی به پایداری و تداوم سیر تکاملی در منابع کشاورزی لازم است همزمان و هماهنگ با حفظ و مراقبت از منابع پایه در جهت تامین خواسته ها و نیازهای امنیت غذایی، اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر برای قشرهای آسیب پذیر و ریشه کنی فقر همت گماشت. بدین منظور شناسایی و درک جایگاه و نقش قشرهای تولید کننده کشاورزی و منابع طبیعی و سنجش و انطباق جایگاه و مسئولیت های قشرهای یاد شده از اولویت های بالایی برخوردار است (حسینی عراقی، ۱۳۷۲: ص ۷۹). بخش کشاورزی در ایران با چالش های متعددی رو به رو است. در زیربخش زراعت قوانین ارث به گونه ای است که با گذشت نسل ها، اراضی خردتر می شود و کاربرد مکانیزاسیون و اتخاذ فن آوری جدید با دشواری بیشتری صورت می گیرد. در زیر بخش باغبانی باغات عمدتاً به صورت بدون برنامه و بدون توجه به شرایط منطقه ای و محلی توسعه یافته است. در تولیدات دامی فشار بیش از حد دام بر مراتع باعث افزایش مرگ و میر دام در دوره های خشکسالی می شود و دامداران در سال های بعدی در جایگزینی با مشکل مواجه می

شوند. در ارتباط با استانداردهای بهداشتی و تولیدات دامی خام و فراوری شده، کشور هنوز از وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد، زیرا بین قوانین مربوط به محصولات خام و فراوری شده، ارتباط درستی وجود ندارد.

در بخش آبیاری، توسعه آبیاری در ایران در آینده به سرعت کنونی روی نخواهد داد. به دلیل این که بخش اعظم اراضی مرغوب و منابع آب موجود قبلا به بهره برداری رسیده است، هزینه های احداث شبکه های آبیاری جدید به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. عدم مصرف صحیح و نابرابری در دسترسی به آب، مانعی در برابر تحقق کامل طرح ها و پروژه های کشاورزی و صنعتی به شمار می آید. به منظور ایجاد انگیزه در کشاورزان به منظور به کارگیری عملیات و پروژه های صرفه جویی در آب لازم است هزینه های سازه ها و تجهیزات مورد نیاز این پروژه ها با قیمت هایی پایین تر از هزینه آب بها در اختیار کشاورزان قرار گیرد. در شرایط کنونی برداشت از آب زیرزمینی به صورتی است که باعث پایین آمدن سطح آب می شود و نگرانی های زیادی را ایجاد می کند.

در بخش بازار کشاورزی می توان به مواردی مانند فقدان اطلاعات کافی کشاورزان در مورد بازار محصولات و نهاده ها به دلیل نبود نظام اطلاع رسانی کارآمد و قابل اطمینان و به هنگام، پایین بودن توان چانه زنی کشاورزان و فقدان تشکل های کارآمد تولیدکنندگان برای تقویت قدرت چانه زنی کشاورزان، و وضعیت ضعیف مالی کشاورزان و محدود بودن دسترسی آن ها به اعتبارات لازم برای بازاریابی محصولات اشاره نمود (دهقان و فتحي، ۱۳۸۴: ص ۲۶).

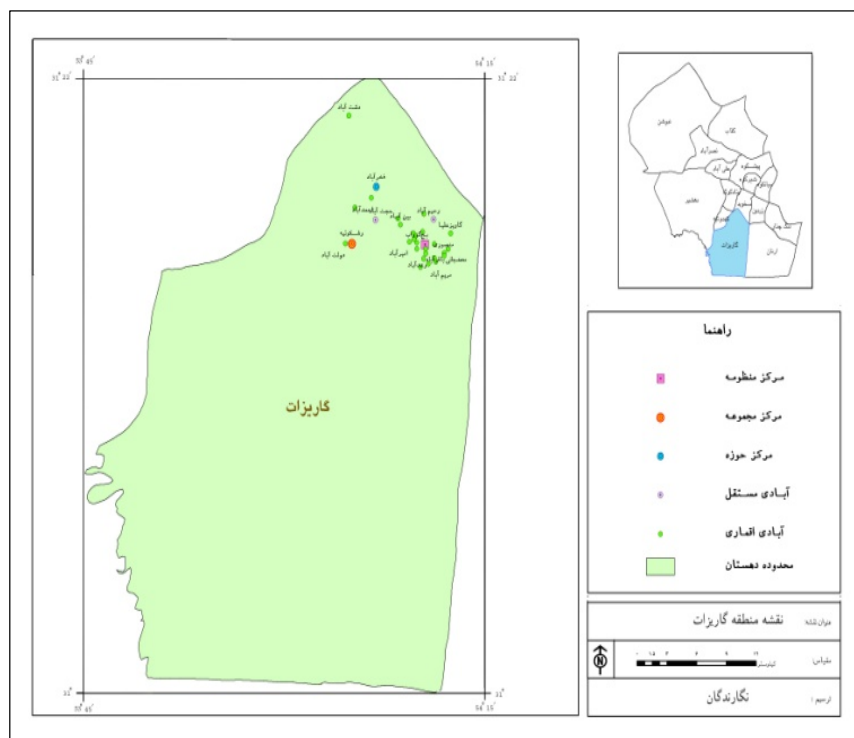
برنامه ریزی کشاورزی بیشتر به مسائل و مشکلات تولید و عرضه محصولات کشاورزی می پردازد و می کوشد ضمن در نظر گرفتن نیازهای غذایی جامعه و مسائل زیست محیطی، عملکرد اقتصادی کشاورزان را بهبود بخشد. این نوع برنامه ریزی با پیش بینی و آینده نگری درباره ترکیب و بهره برداری مناسب عوامل تولید سروکار دارد و در خصوص انتخاب رشته های مربوط به تولیدات کشاورزی مانند دامداری، باغداری و ... نیز برتری یک یا چند محصول نسبت به دیگر محصولات و یا سود تطبیقی آنها توضیح می دهد. وظیفه کلی برنامه ریزی کشاورزی، تجزیه و تحلیل و پیش بینی عوامل پایه تولید، روش های اقتصادی کردن تولید، چگونگی عرضه و تقاضا و بازاریابی محصولات کشاورزی، و ارائه تصویر روشنی از نیاز های غذایی آینده در سطح ملی و جهانی است (مطیعی لنگرودی و شمساپی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۰).

بدون شک حرکت یک کشور به سمت توسعه و پیشرفت جز با بهره گیری از کلیه منابع و ظرفیت های خود محقق نخواهد شد. برای نیل به این منظور همواره مشکلات متعددی در

روستاهای کشور به عنوان بستر فعالیت های کشاورزی وجود داشته است که اغلب تاثیرات منفی و زیانباری را به همراه داشته اند (تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹:ص ۱۳۸).

منطقه مورد مطالعه

از نظر مختصات جغرافیایی بین ۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۳۲). شهرستان مذکور از شمال به شهرستان تفت، از شمال غرب به استان اصفهان، از شرق به شهرستان مهریز و از جنوب، جنوب غرب و غرب به استان فارس محدود می گردد. این شهر استان در حدود ۵۳۸۱ کیلومتر مربع وسعت دارد (حسینی، ۱۳۸۶:صص ۵۰-۵۱).



شکل (۱) موقعیت جغرافیایی منطقه گاریزات در استان یزد و موقعیت روستاهای مورد مطالعه

آنچه مسلم است دو عارضه طبیعی ارتفاعات شیرکوه و کفه نمک ابرکوه بر اوضاع طبیعی این منطقه بسیار موثر هستند. در حقیقت ارتفاعات شیرکوه عامل موثری در تعدیل آب و هوا و کفه نمک ابرکوه عامل موثر در کویری شدن و خشکی هوای آن می‌باشد. شهرستان ابرکوه در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۴۳۵۹۵ نفر جمعیت داشته و طی سالهای گذشته با نرخ رشد مثبت روبرو بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

دامداری و کشاورزی در منطقه مورد مطالعه

کشاورزی و دامداری

الف: کشاورزی

سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی در شهرستان ابرکوه بالغ بر ۱۷۰۰۰ هزار هکتار است که با احتساب اراضی آیش، سطحی معادل ۲۷۰۰۰ هکتار را تشکیل می‌دهد. اگر چه عدم وجود آبهای دائمی، خشکسالی‌های پی در پی و افت شدید آبهای زیر زمینی، تهدید جدی متوجه بیش از ۸۲۴ حلقه چاه و ۳۹ رشته قنات موجود در شهرستان به حساب می‌آید، لیکن در صورت رفع نگرانی‌های ناشی از کمبود آب سایر شرایط را در توسعه کشاورزی منطقه مهیا نموده و می‌تواند همچنان در تولید برخی محصولات زراعی و باغی (هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت) پیشتاز باشد. از بین محصولات باغی، پسته، زردآلو، انار، انگور و در بین محصولات زراعی گندم، یونجه، ذرت علوفه‌ای و دانه‌ای و پنبه بیشترین سطح را به خود اختصاص داده است.

مضافاً اینکه شهرستان ابرکوه به لحاظ برخورداری از امکان کشت محصولات جالیزی نظیر هندوانه، خربزه، طالبی و محصولات صیفی مانند گوجه‌فرنگی، بادمجان، پیاز و کشت گلخانه‌ای نظیر خیار سبز نیز از موقعیت مناسبی بهره‌مند است که بنوبه خود می‌تواند تقویت‌کننده اقتصاد کشاورزی منطقه باشد (جهاد کشاورزی شهرستان ابرکوه، ۱۳۸۹: ص ۱۰-۱۱).

یکی از مشکلات عمده شهرستان ابرکوه بحث کاهش تدریجی سفره‌های آبی زیر زمینی و ضرورت چاره‌اندیشی در این خصوص با توجه به کاهش چشمگیر نزولات جوی است. مهمترین استراتژی پایدار اقتصاد منطقه، اهتمام در امر گسترش استعدادهای بالقوه و بالفعل کشاورزی می‌باشد. یعنی به فرض پیشرفت صنعت و سایر عرصه‌های اقتصادی، اهمیت کشاورزی نه تنها نقصان نیافته بلکه صنایع نیز ترجیحاً با اولویت صنایع تبدیلی و جانبی کشاورزی باید توسعه یابد.

ب: دامداری

در شهرستان ابرکوه تعداد ۲۵۰۰۰۰ راس گوسفند و بز گله ای و همچنین ۸۰۰۰ راس گاو و گوساله وجود دارد. میزان تولید روزانه شیر ۵۰ تن در سطح شهرستان می باشد. دارای ۶۲ واحد مرغداری به ظرفیت ۵۸۰ هزار قطعه می باشد و همچنین ۴۰۰۰ کلونی کندوی عسل موجود می باشد. تعداد گوسفند و بز گله ای که وابسته به مرتع باشند حدود ۵۰۰۰۰ راس می باشد و این تعداد دام توسط ۲۰۰ خانوار نگهداری می شود.

متأسفانه به دلیل خشکسالی های چند سال اخیر دامداران مشکلات عدیده ای رو به رو هستند. به طوری که در نگهداری دامهای خود ناتوان گشته و مجبور به کم کردن آنها شده اند. مراتع قشلاقی این دامداران اکثراً فاقد چشمه آب مورد نیاز شرب دام هستند و از نظر پوشش گیاهی فقیر می باشند. به طوری که بعضی از مراتع مانند مراتع کوه اعلاء در چند سال گذشته غیر قابل استفاده بوده و دامی به آن مراتع برده نشده است. مراتع ییلاقی دامداران نیز به دلیل کمی نزولات آسمانی در چند سال اخیر وضعیت مطلوب گذشته را از دست داده به طوری که در حال حاضر بعضی از این مراتع آب شرب مورد نیاز دام را نداشته و بایستی به وسیله تانکر به دامهای آن منطقه آبرسانی گردد.

نیروی انسانی متخصص شاغل در بخش کشاورزی

کیفیت مدیریت و تولید در واحد های بهره برداری کشاورزی شدیداً به میزان سواد بستگی دارد و آمارها نشان می دهد که حدود ۲٫۸ درصد بهره برداری های کشاورزی دارای بهره بردار با سواد فوق دیپلم و بالاتر بوده اند که این نسبت بسیار اندک است. در حالیکه حدود ۴۵ درصد بهره برداری های کشاورزی، دارای بهره بردار بی سواد می باشند و این امر ضرورت توجه بیشتر به آموزش های رسمی را نشان می دهد که خود پایه ضروری برای فراگیری آموزش های غیر رسمی و ترویجی کشاورزی و مهارت آموزی است (مهندسین مشاور آبانگاه یزد، ۱۳۸۵: ص ۲).

شهرستان ابرکوه از لحاظ کاربرد ماشین آلات کشاورزی در وضعیت مناسبی قرار دارد. از نظر مقدار تولید و عملکرد محصول گندم با ۱۴۲۱۰ تن رتبه دوم را در بین شهرستان های استان دارا می باشد و از نظر مقدار تولید جو با ۷۵۶ تن در رتبه پنجم و از نظر عملکرد این محصول با ۳۷۴۳ کیلوگرم رتبه اول را در بین شهرستان های استان دارا می باشد.

کم و کیف منابع تأمین آب کشاورزی و روشهای آبیاری :

در گذشته نه چندان دور و قبل از ترویج و گسترش حفر چاه های آب کشاورزی، کلیه آب کشاورزی و شرب دشت ابرکوه از قنات تأمین می شده. اولین آماری که در دست می باشد،

تعداد قنات دایر را در سال ۱۳۶۰ برابر با ۸۷ رشته با تخلیه سالانه ۵۰ میلیون متر مکعب نشان می دهد. از مشخصه های عموم قنات این منطقه همسوئی جهت آنها است که از شمال و غرب به سمت شرق و جنوب شرق می باشد و طولانی ترین قنات منطقه حدود ۱۲ کیلومتر طول مسیر دارد.

حفر چاههای کشاورزی ابتدا در ناحیه شرق و جنوب شرق ابرکوه آغاز شد بدیهی است اینگونه چاه ها که با منبع تغذیه دهنده قنات فاصله زیادی دارند، تأثیر چندانی در کاهش و ایجاد تغییرات آبدی قنات نداشته اند. لیکن با گسترش تعداد چاه ها در غرب ابرکوه بویژه در منطقه فراغه که نزدیک و مشرف به منبع تغذیه دهنده قنات می باشد، اثر منفی چاه ها بر روی قناتی که مادر چاههای آنها در ناحیه غرب ابرکوه بوده ملاحظه می گردد.

بنابراین، این شهرستان دارای قابلیت های متعدد کشاورزی می باشد. با توجه به پتانسیل های آن ضرورت دارد به منظور دستیابی به توسعه هر چه بیشتر، برنامه ریزی های لازم به منظور استفاده از قابلیت های این منطقه در بخش کشاورزی صورت گیرد.

روش تحقیق

هدف پژوهش شناسایی قابلیت ها و توانمندی های بخش کشاورزی شهرستان ابرکوه و نقش آن در توسعه منطقه می باشد. نوع تحقیق کاربردی - توسعه ای و روش بررسی آن کتابخانه ای و پیمایشی می باشد. در این تحقیق با استفاده از نظرات و دیدگاه های کارشناسان کشاورزی سطح شهرستان و با استفاده از مدل SWOT نقاط قوت و ضعف بخش کشاورزی در این منطقه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و پس از آن از مدل مکمل QSPM برای تعیین راهبرد مناسب منطقه مورد مطالعه بهره گرفته شد. سوال اصلی که در این تحقیق در پی پاسخگویی به آن هستیم عبارت است از:

- نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت ها و تهدیدهای موجود در بخش کشاورزی شهرستان ابرکوه در جهت ارائه راهبردهای مناسب توسعه این بخش کدامند؟
- به طور خلاصه اهمیت و ضرورت این تحقیق به شرح زیر است :

توسعه و تحول اقتصاد منطقه به منظور ایجاد فرصت های شغلی جدید، افزایش درآمد و بهبود امکانات.

- دستیابی به توسعه بخش کشاورزی در شهرستان ابرکوه.

سؤالات اصلی پژوهش حاضر عبارت است از :

۱. شهرستان ابرکوه چه قابلیت هایی در بخش کشاورزی دارد؟

۲. چگونه می‌توان بخش کشاورزی را در این منطقه رونق بخشید؟

یافته های تحقیق

برنامه‌ریزی برای توسعه کشاورزی، در گرو بررسی دقیق و شناخت از منطقه مورد مطالعه است و با استفاده از مدل‌هایی این تحلیل امکان پذیر است. فرصتها و تهدیدهای محیط پیرامونی و نقاط قوت و ضعف داخلی کشاورزی ابرکوه با تحلیل SWOT به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۱) نقاط قوت و ضعف درونی بخش کشاورزی در شهرستان ابرکوه

شهرستان ابرکوه	بازاریابی و نظام مالی	عوامل تولیدی	نیروی انسانی	
عوامل درونی	نقاط قوت (S) Strengths	S1- کیفیت فرآوری، بسته بندی و عرضه محصولات، S2- توان خدمات پشتیبانی و حمل و نقل، S3- توانایی جذب بودجه و تسهیلات از سازمان مدیریت	S4- وجود تعاونی ها و تشکل های تولیدی، S5- صنایع تبدیلی و تکمیلی، S6- وجود دشت حاصلخیز و قابل احیاء، S7- وجود استخرهای پرورش ماهی، مجتمع گاوداری و مرغداری	S8- میزان پذیرش نوآوری (تغییر پذیری) در بهره برداران، S9- اثر بخشی تشکل های مردمی و NGO ها، S10- توانایی جذب و نگهداری نیروی انسانی ماهر و متخصص
عوامل درونی	نقاط ضعف (W) Weakness	W1- توانایی تنظیم بازار، W2- نقش مشاورین و هسته های مطالعاتی در امر بازاریابی، W3- قیمت تمام شده، W4- کمبود میدان تره بار، W5- توانایی بررسی هزینه سرمایه گذاری در بخش، W6- توانایی در جذب سرمایه های داخلی و خارجی	W7- اثر بخشی فعالیت های پژوهشی، W8- قابلیت تأمین نهاده ها (مواد اولیه) و تجهیزات، W9- امکانات و زیر ساخت ها، W10- بکارگیری روشهای غرقابی، W11- مبارزه ضعیف در امر آفات و امراض	W12- سطح تحصیلات و مهارت و نوع تخصص بهره برداران، W13- چند پیشگی مدیران و کارشناسان، W14- ترکیب سنی بهره برداران، W15- نظام پرداخت مطالبات (بهای محصول، اعتبارات و تسهیلات)، W16- مهاجرت نیروی کار

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

جدول (۲) نقاط فرصت و تنگناهای بیرونی بخش کشاورزی در شهرستان ابرکوه

تکنولوژیکی و سایر	اقتصادی و اجتماعی	سیاسی	فرصت ها (O) Opportunities	عوامل بیرونی
08 - توانایی تولید نهاده ها در داخل کشور (بذور ، اسپرم ، و ...) ، 09 - تکنولوژی و ماشین آلات ، 010 - وجود خدمات پشتیبانی ماشین آلات و ... ، 011 - منابع انسانی ، 012 - سطح مکانیزاسیون در اراضی شهرستان در مقایسه با متوسط کشوری و استانی	03 - پوشش بیمه ای محصولات کشاورزی ، 04 - روحیه تعاون و همکاری در بهره برداران ، 05 - آموزش های دانشگاهی ، 06 - باورها و اعتقادات مردمی ، 07 - رسانه های استانی و ملی	01 - تعاملات بین شهرستانی و استانی ، 02 - موقعیت جغرافیایی شهرستان		عوامل بیرونی
T19 - تناسب آموزش بهره برداران و کارشناسان با تکنولوژی های روز ، T20 - فرسودگی امکانات و تجهیزات موجود ، T21 - شرایط اقلیمی و کویری استان	T5 - نرخ سود بانکی ، T6 - سطح شکنندگی در مقابله با حوادث و سوانح طبیعی ، T7 - نابرابری رشد نرخ (قیمت) نهاده ها و محصولات تولیدی ، T8 - دلالی و واسطه گری ، T9 - عدم ثبات در نرخ تورم و ارز ، T10 - شبکه های توزیع ، T11 - نرخ بازده سرمایه در بخش نسبت به سایر بخش ها ، T12 - سهم بخش از بودجه و تسهیلات استان ، T13 - میزان جذب سرمایه های داخلی و خارجی ، T14 - میزان صادرات و واردات کشور ، T15 - درآمد سرانه کشاورزان ، T16 - هزینه ایجاد هر واحد اشتغال در بخش کشاورزی ، T17 - میانگین سنی جمعیت شاغل استان در بخش ، T18 - سنت گرایی در بخش	T1 - عدم عضویت در WTO ، T2 - سیاست های توسعه استان ، T3 - قوانین سرمایه گذاری خارجی ، T4 - قوانین مالیاتی	تهدیدها و تنگناها (T) Threats	عوامل بیرونی

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

با استفاده از این ماتریس، هر یک از عوامل استراتژیک محیط های کلان (اقتصادی، اجتماعی و ...) و تخصصی (مشتریان، رقبا و ...) که در ماتریس اولویت عوامل خارجی شناسایی و اولویت بندی شده اند، مورد ارزیابی قرار می گیرند و از بررسی این عوامل ، فرصت ها و

تهدیدها شناسایی می شوند. عوامل اولویت دار در یک ستون ماتریس قرار گرفته و با استفاده از ضرایب و رتبه های خاصی امتیازبندی می شوند تا در نهایت مشخص شود که آیا سازمان در آینده ای که می خواهیم برای آن برنامه ریزی کنیم، فرصت های بیشتری خواهد داشت یا با تهدیدهای بیشتری مواجه خواهد شد.

اگر جمع امتیاز نهایی بیش از ۲,۵ باشد فرصت غلبه بر تهدید و اگر امتیاز کمتر از ۲,۵ باشد تهدید غلبه بر فرصت دارد (اعرابی، ۱۳۸۹: ص ۲۲).

جدول (۳) ارزیابی عوامل بیرونی (فرصت ها)

سیاسی	ضریب اهمیت وزن	رتبه (۳ و ۴)	نمره
O1 - تعاملات بین شهرستانی و استانی	۰,۰۳	۳	۰,۰۹
O2 - موقعیت جغرافیایی شهرستان	۰,۰۳	۴	۰,۱۲
اقتصادی			
O3 - پوشش بیمه ای محصولات کشاورزی	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
اجتماعی			
O4 - روحیه تعاون و همکاری در بهره برداران	۰,۰۱	۳	۰,۰۳
O5 - آموزش های دانشگاهی	۰,۰۳	۴	۰,۱۲
O6 - باورها و اعتقادات مردمی	۰,۰۱	۳	۰,۰۳
O7 - رسانه های استانی و ملی	۰,۰۲	۳	۰,۰۶
تکنولوژیکی			
O8 - توانایی تولید نهاده ها در داخل کشور (بذور ، اسپرم ، و ...)	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
O9 - تکنولوژی و ماشین آلات	۰,۰۵	۴	۰,۲
O10 - وجود خدمات پشتیبانی ماشین آلات و ...	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
O11 - منابع انسانی	۰,۰۱	۳	۰,۰۳
O12 - سطح مکانیزاسیون در اراضی شهرستان در مقایسه با متوسط کشوری و استانی	۰,۰۳	۳	۰,۰۹
سیاسی			
T1 - عدم عضویت در WTO	۰,۰۲	۲	۰,۰۴
T2 - سیاست های توسعه استان	۰,۰۲	۱	۰,۰۲
T3 - قوانین سرمایه گذاری خارجی	۰,۰۲	۲	۰,۰۴
T4 - قوانین مالیاتی	۰,۰۲	۲	۰,۰۴
اقتصادی			
T5 - نرخ سود بانکی	۰,۰۳	۲	۰,۰۶
T6 - سطح شکنندگی در مقابله با حوادث و سوانح طبیعی	۰,۰۳	۱	۰,۰۳
T7 - نابرابری رشد نرخ (قیمت) نهاده ها و محصولات تولیدی	۰,۰۴	۱	۰,۰۴
T8 - دلالی و واسطه گری	۰,۰۳	۱	۰,۰۳

ادامه جدول (۳) ارزیابی عوامل بیرونی (تنگناها و محدودیتها)

۰,۰۶	۲	۰,۰۳	T9 - عدم ثبات در نرخ تورم و ارز
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	T10 - شبکه های توزیع
۰,۰۴	۲	۰,۰۲	T11 - نرخ بازده سرمایه در بخش نسبت به سایر بخش ها
۰,۰۳	۱	۰,۰۳	T12 - سهم بخش از بودجه و تسهیلات استان
۰,۰۴	۲	۰,۰۲	T13 - میزان جذب سرمایه های داخلی و خارجی
۰,۰۴	۱	۰,۰۴	T14 - میزان صادرات و واردات کشور
۰,۰۵	۱	۰,۰۵	T15 - درآمد سرانه کشاورزان
۰,۰۱	۲	۰,۰۵	T16 - هزینه ایجاد هر واحد اشتغال در بخش کشاورزی
اجتماعی			
۰,۰۴	۱	۰,۰۴	T17 - میانگین سنی جمعیت شاغل استان در بخش
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	T18 - سنت گرایی در بخش
تکنولوژیکی			
۰,۰۵	۱	۰,۰۵	T19 - تناسب آموزش بهره برداران و کارشناسان با تکنولوژی های روز
۰,۰۸	۲	۰,۰۴	T20 - فرسودگی امکانات و تجهیزات موجود
سایر			
۰,۰۴	۲	۰,۰۲	T21 - شرایط اقلیمی و کویری استان
۲,۲۴	-	۱	جمع

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

با توجه به بررسی های انجام شده جمع نمرات به دست آمده ۲,۲۴ شد که نشان از غلبه تهدیدات بر فرصت ها می باشد.

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

عوامل داخلی، عواملی هستند که مربوط به درون سازمان هستند و برخلاف عوامل خارجی در کنترل مدیریت سازمان می باشند (اعرابی، ۱۳۸۹:ص ۲۷).

در فرآیند بررسی عوامل داخلی پس از اینکه عوامل کلیدی داخلی (قوت ها و ضعف ها) شناسایی شدند، این عوامل مورد ارزیابی قرار می گیرند تا مشخص شود که سازمان در مجموع دارای قوت است یا ضعف.

اگر امتیاز بیش از ۲,۵ باشد قوت غلبه بر ضعف و اگر امتیاز کمتر از ۲,۵ باشد ضعف غلبه بر قوت دارد (همان منبع:صص ۳۳-۳۴).

برنامه ریزی راهبردی توسعه بخش کشاورزی در شهرستان ابرکوه ۴۱

جدول (۴) ارزیابی عوامل درونی (قوت ها)

نمره	رتبه (۳ و ۴)	ضریب اهمیت وزن	بازاریابی
۰.۱۲	۳	۰.۰۴	S1- کیفیت فراوری ، بسته بندی و عرضه محصولات
۰.۰۲	۴	۰.۰۵	S2- توان خدمات پشتیبانی و حمل و نقل
نظام مالی			
۰.۱۲	۳	۰.۰۴	S3- توانایی جذب بودجه و تسهیلات از سازمان مدیریت
عوامل تولیدی			
۰.۰۹	۳	۰.۰۳	S4- وجود تعاونی ها و تشکل های تولیدی
۰.۰۲۴	۴	۰.۰۶	S5- صنایع تبدیلی و تکمیلی
۰.۰۱۶	۴	۰.۰۴	S6- وجود دشت حاصلخیز و قابل احیاء
۰.۰۲	۴	۰.۰۵	S7- وجود استخرهای پرورش ماهی، مجتمع گاوداری و مرغداری
نیروی انسانی			
۰.۰۱۶	۴	۰.۰۴	S8- میزان پذیرش نوآوری (تغییر پذیری) در بهره برداران
۰.۰۰۹	۳	۰.۰۳	S9- اثر بخشی تشکل های مردمی و NGO ها
۱۶	۴	۰.۰۴	S10- توانایی جذب و نگهداری نیروی انسانی ماهر و متخصص
نمره	رتبه (۲ و ۱)	ضریب اهمیت وزن	بازاریابی
۰.۰۳	۱	۰.۰۳	W1 - توانایی تنظیم بازار
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	W2 - نقش مشاورین و هسته های مطالعاتی در امر بازاریابی
۰.۰۸	۲	۰.۰۴	W3 - قیمت تمام شده
۰.۰۴	۱	۰.۰۴	W4 - کمیود میدان تره بار
نظام مالی			
۰.۰۳	۱	۰.۰۳	W5 - توانایی بررسی هزینه سرمایه گذاری در بخش
۰.۰۸	۲	۰.۰۴	W6 - توانایی در جذب سرمایه های داخلی و خارجی
عوامل تولیدی			
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	W7 - اثر بخشی فعالیت های پژوهشی
۰.۰۴	۱	۰.۰۴	W8 - قابلیت تأمین نهاده ها (مواد اولیه) و تجهیزات
۰.۰۵	۱	۰.۰۵	W9 - امکانات و زیر ساخت ها
۰.۰۴	۱	۰.۰۴	W10 - بکارگیری روشهای غرقابی
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	W11 - مبارزه ضعیف در امر آفات و امراض
نیروی انسانی			
۰.۰۴	۱	۰.۰۴	W12 - سطح تحصیلات و مهارت و نوع تخصص بهره برداران
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	W13 - چند پیشگی مدیران و کارشناسان
۰.۰۳	۱	۰.۰۳	W14 - ترکیب سنی بهره برداران
۰.۰۵	۱	۰.۰۵	W15- نظام پرداخت مطالبات (بهای محصول ، اعتبارات و تسهیلات)
۰.۰۶	۲	۰.۰۳	W16- مهاجرت نیروی کار
۲,۳۵	-	۱	جمع

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

جمع نمرات به دست آمده از ماتریس عوامل داخلی ۲,۳۵ می باشد که نشان دهنده غلبه ضعف بر قوتها می باشد. در مرحله بعد به منظور بررسی استراتژی های موثر در شکل گیری

همگرایی از روش SWOT استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل SWOT، مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژی های متناسب موقعیت کنونی مورد بررسی را منعکس می سازد. در این مدل فرصت ها و تهدیدها نشان دهنده چالش های مطلوب و یا نامطلوب عمده ای است که در محیط مورد نظر وجود داشته و در مقابل، قوت ها و ضعف ها (شایستگی ها، توانایی ها، مهارت ها، کمبودها) وضعیت محیط داخلی سیستم را به نمایش می گذارد و با تحلیل این عوامل جایگزین های مختلف استراتژی ایجاد می گردد. مدل SWOT در حالت معمولی متشکل از یک جدول مختصاتی دو بعدی است که هر یک از چهارنواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می باشد. استراتژی های مطرح در مدل SWOT عبارت هستند از:

۱. حداکثر استفاده از فرصت ها با استفاده از نقاط قوت (ناحیه ۱) (استراتژی های SO)
۲. استفاده از مزایای نهفته در فرصت ها برای جبران نقاط ضعف (ناحیه ۲) (استراتژی های WO)
۳. استفاده از نقاط قوت سازمان برای جلوگیری از تهدیدها (ناحیه ۳) (استراتژی های ST)
۴. به حداقل رساندن زیان های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (ناحیه ۴) (استراتژی های WT)

جدول (۵) نحوه تعیین استراتژی ها

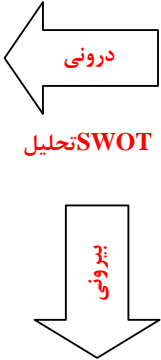
عوامل داخلی عوامل محیطی	فهرست قوتها (S)	فهرست ضعفها (W)
فهرست فرصتها (O)	ناحیه ۱ استفاده از فرصتها یا استفاده از نقاط قوت (SO)	ناحیه ۲ از مزیت هایی که در فرصت نهفته است استفاده نماییم برای جبران نقاط ضعف (WO)
فهرست تهدیدها (T)	ناحیه ۳ استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها (ST)	ناحیه ۴ به حداقل رساندن زیانهای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (WT)

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

در این مرحله با توجه به اطلاعات حاصل از مراحل قبل، عوامل اصلی داخلی (قوتها و ضعف های کلیدی) و عوامل اصلی خارجی (فرصت ها و تهدیدهای راهبردی) با هم تطبیق داده می شوند و در واقع بین آنها نوعی توازن برقرار می شود. در این مرحله عوامل داخلی و خارجی با استفاده از ماتریس SWOT و ماتریس داخلی و خارجی IE تطبیق داده می شوند تا استراتژی هایی شناسایی شوند که متناسب با عوامل داخلی و خارجی سازمان باشند

(اعرابی، ۱۳۸۹: ص ۶۸). در ماتریس داخلی و خارجی چهار خانه ای، جمع نمره های نهایی بر روی محور X ها از ۱ تا ۲,۵ نشان دهنده ضعف داخلی و نمره ۲,۵ تا ۴ بیانگر قوت است. به همین شیوه جمع نمره های نهایی ماتریس ارزیابی عوامل خارجی از ۱ تا ۲,۵ بیانگر ضعف و نمره های ۲,۵ تا ۴ بیانگر وضعیت مناسب و مطلوبی است. قرار گرفتن نقطه تقاطع در هر یک از چهار ربع مذکور، نشان دهنده نوع استراتژی است که دارای ارجحیت در انتخاب است. با توجه به جمع نمرات به دست آمده از ماتریس عوامل خارجی که ۲,۲۴ و جمع نمرات ماتریس عوامل داخلی که ۲,۳۵ است نوع استراتژی که باید مورد استفاده قرار بگیرد تدافعی می باشد.

جدول (۶) تحلیل سوات

عوامل نهایی ماتریس ارزیابی IE		تهاجمی خانه (۱)	بازنگری خانه (۲)		
		تنوع بخشی خانه (۳)	تدافعی خانه (۴)		
		<p>نقاط قوت : S1 - کیفیت فرآوری ، بسته بندی و عرضه محصولات ، S2- توان خدمات پشتیبانی و حمل و نقل ، S3- توانایی جذب بودجه و تسهیلات از سازمان مدیریت S4 - وجود تعاونی ها و تشکل های تولیدی ، S5- صنایع تبدیلی و تکمیلی ، S6- وجود دشت حاصلخیز و قابل احیاء ، S7- وجود استخرهای پرورش ماهی، مجتمع گاوداری و مرغداری S8 - میزان پذیرش نوآوری (تغییر پذیری) در بهره برداران ، S9- اثر بخشی تشکل های مردمی و NGO ها ، S10- توانایی جذب و نگهداری نیروی انسانی ماهر و متخصص</p>		<p>نقاط ضعف: W1 - توانایی تنظیم بازار ، W2 - نقش مشاورین و هسته های مطالعاتی در امر بازاریابی ، W3 - قیمت تمام شده ، W4 - کمبود میدان تره بار ، W5 - توانایی بررسی هزینه سرمایه گذاری در بخش ، W6 - توانایی در جذب سرمایه های داخلی و خارجی W7 - اثر بخشی فعالیت های پژوهشی ، W8 - قابلیت تأمین نهاده ها (مواد اولیه) و تجهیزات ، W9 - امکانات و زیر ساخت ها ، W10 - بکارگیری روشهای غرقایی ، W11 - مبارزه ضعیف در امر آفات و امراض W12 - سطح تحصيلات و مهارت و نوع تخصص بهره برداران ، W13 - چند پیشگی مدیران و کارشناسان ، W14 - ترکیب سنی بهره برداران ، W15- نظام پرداخت مطالبات (بهای محصول ، اعتبارات و تسهیلات) ، W16- مهاجرت نیروی کار</p>	

<p>راهبردهای WO</p> <p>WO1 - اصلاح ساختار مدیریتی و کارشناسی بخش ، WO2 - بهبود کیفیت تولیدات و محصولات و بالا بردن استانداردها ، WO3 - افزایش توان تحقیقاتی ، علمی ، کاربردی مراکز وابسته و تخصصی</p>	<p>راهبردهای SO</p> <p>SO1 - توسعه و ارتقاء سطح آموزش های تخصصی و کاربردی و توانمند سازی نیروی انسانی ، SO2 - افزایش بهره وری از منابع و عوامل تولید ، SO3 - توسعه بازار و افزایش صادرات (بازاریابی) ، SO4 - توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی ، SO5 - افزایش سرمایه گذاری</p>	<p>نقاط فرصت : O1 - تعاملات بین شهرستانی و استانی ، O2 - موقعیت جغرافیایی شهرستان O3 - پوشش بیمه ای محصولات کشاورزی ، O4 - روحیه تعاون و همکاری در بهره برداران ، O5 - آموزش های دانشگاهی ، O6 - باورها و اعتقادات مردمی ، O7 - رسانه های استانی و ملی O8 - توانایی تولید نهاده ها در داخل کشور (بذر ، اسپرم ، و ...) ، O9 - تکنولوژی و ماشین آلات ، O10 - وجود خدمات پشتیبانی ماشین آلات و ... ، O11 - منابع انسانی ، O12 - سطح مکانیزاسیون در اراضی شهرستان در مقایسه با متوسط کشوری و استانی</p>
<p>راهبردهای WT</p> <p>WT1 - فراهم کردن بستر مناسب جهت به کارگیری نیروهای جوان و متخصص در بخش ، WT2 - ساماندهی کانون های تولید و فضاها و سکونتگاههای روستایی ، WT3 - واگذاری بخشی از امور اجرایی و تحقیقاتی به بخش خصوصی و افزایش مشارکت پذیری</p>	<p>راهبردهای ST</p> <p>ST1 - بهسازی و نوسازی امکانات و تجهیزات و فراهم سازی زمینه ورود فناوری جدید در بخش ، ST2 - اصلاح روش ها و الگوهای کشت و بهره برداری از واحدهای تولید ، ST3 - بالا بردن توان مقابله با حوادث و سوانح طبیعی ، ST4 - ساماندهی نظام عرضه و تقاضای محصولات و تولیدات</p>	<p>نقاط تهدید : T1 - عدم عضویت در WTO ، T2 - سیاست های توسعه استان ، T3 - قوانین سرمایه گذاری خارجی ، T4 - قوانین مالیاتی T5 - نرخ سود بانکی ، T6 - سطح شکنندگی در مقابله با حوادث و سوانح طبیعی ، T7 - نابرابری رشد نرخ (قیمت) نهاده ها و محصولات تولیدی ، T8 - دلالی و واسطه گری ، T9 - عدم ثبات در نرخ تورم و ارز ، T10 - شبکه های توزیع ، T11 - نرخ بازده سرمایه در بخش نسبت به سایر بخش ها ، T12 - سهم بخش از بودجه و تسهیلات استان ، T13 - میزان جذب سرمایه های داخلی و خارجی ، T14 - میزان صادرات و واردات کشور ، T15 - درآمد سرانه کشاورزان ، T16 - هزینه ایجاد هر واحد اشتغال در بخش کشاورزی ، T17 - میانگین سنی جمعیت شاغل استان در بخش ، T18 - سنت گرایی در بخش ، T19 - تناسب آموزش بهره برداران و کارشناسان با تکنولوژی های روز ، T20 - فرسودگی امکانات و تجهیزات موجود ، T21 - شرایط اقلیمی و کویری استان</p>

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

انتخاب راهبرد نهایی با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) ۱ :
 ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) مشخص می‌نماید که کدامیک از گزینه‌های انتخاب شده ، مناسبتر می‌باشد و در واقع این استراتژی‌ها را اولویت‌بندی می‌نماید.
 به منظور تهیه ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) ، کلیه‌ی راهبردها از ماتریس راهبردهای توسعه بخش کشاورزی در شهرستان ابرکوه در ستون افقی نوشته می‌شود. در ادامه، ضریب اهمیت (AS) ۲ عوامل مشخص می‌گردد. این ضریب امتیازی است بین ۴-۱ بنا به اهمیتی که هر یک از عوامل در تدوین هر استراتژی داشته‌اند.

۱- بی اهمیت ۲- اهمیت کم ۳- اهمیت متوسط ۴- اهمیت زیاد

سپس مجموع ضریب اهمیت (TAS) ۳ محاسبه می‌گردد. مجموع ضریب اهمیت برابر است با امتیاز وزنی ضربدر AS. در پایان TAS ها جمع می‌شوند که تکلیف بهترین برنامه‌ها را به ترتیب اولویت مشخص می‌کند.

مرحله تصمیم گیری :

ماتریس برنامه ریزی استراتژی کمی (QSPM):

استراتژی‌های قابل استفاده با توجه به موقعیت به دست آمده که تدافعی می باشد عبارت انداز :

WT1- فراهم کردن بستر مناسب جهت به کارگیری نیروهای جوان و متخصص در بخش

WT2- ساماندهی کانون های تولید و فضاها و سکونتگاه های روستایی

WT3- واگذاری بخشی از امور اجرایی و تحقیقاتی به بخش خصوصی و افزایش مشارکت پذیری

اولویت بندی استراتژی ها :

جدول (۷) اولویت بندی استراتژی ها

اولویت	استراتژی ها	نمره نهایی
۱	ساماندهی کانون های تولید و فضاها و سکونتگاههای روستایی	۵,۸۸
۲	فراهم کردن بستر مناسب جهت به کارگیری نیروهای جوان و متخصص در بخش	۵,۸۵
۳	واگذاری بخشی از امور اجرایی و تحقیقاتی به بخش خصوصی و افزایش مشارکت پذیری	۵,۵۳

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۸۹

1 : Quantitative Strategic Planning Matrix

2 : Attractive Scores

3 : Total Attractive Scores

چنانچه در جدول شماره ۷ نشان داده شده است، ساماندهی کانون های تولید و فضاها و سکونتگاه های روستایی در صدر فهرست راهبردهای منتخب جهت توسعه بخش کشاورزی قرار دارد. موقعیت جغرافیایی و خصوصا اقلیمی منطقه مورد مطالعه و تنگناهای منتج از آن، ضرورت توجه ویژه به سکونتگاه های روستایی را در این منطقه دوچندان می کند. یقینا ساماندهی فضاها و تولیدی جز با توجه ویژه به سکونتگاه های دربرگیرنده آنها، راه به جایی نخواهد برد. تامین زیرساخت های اساسی و ارتقای کیفیت زندگی در این سکونتگاه ها، مهم ترین پیش شرط توسعه کشاورزی در روستاهای منطقه مورد مطالعه است.

راهبرد دوم، ایجاد شرایط بهره گیری از دانش نیروهای جوان متخصص در بخش کشاورزی است. اجرای این راهبرد علاوه بر این که موجب ارتقای سطح بهره وری در واحدهای بهره برداری می گردد، زمینه اشتغال متخصصان جوان موجود در سطح منطقه را فراهم می آورد. انتخاب این راهبرد نشانگر عزم موجود در بدنه کارشناسی وزارت جهاد کشاورزی برای به کار گیری نیروهای جوان و متخصص در بخش کشاورزی است. مهاجرفرست بودن روستاهای منطقه، نشان از وضعیت حاد بخش کشاورزی دارد و لذا لزوم مداخله هوشمندانه متخصصان را پیش از پیش نمایان می سازد.

راهبرد سوم بهره گیری از توان بخش خصوصی برای جلب مشارکت مردم در جهت توسعه فعالیت های بخش کشاورزی است. با توجه به پتانسیل های موجود در منطقه و نیز راهبردهای کلان ملی و منطقه ای در جهت حرکت کشور به سمت خصوصی سازی و واگذاری امور اجرایی و تخصصی به مردم، یقینا بهره گیری از توان متخصصان بخش خصوصی می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات موجود باشد. به ویژه این که یکی از نقاط قوت بخش کشاورزی در منطقه، وجود نیروهای متخصص بومی توانمندی است که آشنایی جامعی با مشکلات م مسائل مبتلابه این بخش دارند.

نتیجه گیری

رشد جمعیت در شهرستان ابرکوه، بدون سرمایه گذاری نظام مند در جهت تقویت زیر ساخت های اقتصادی منجر به گسترش بیش از حد فعالیت های تولیدی متکی بر منابع آب و خاک و... شده است که این توسعه ناپایدار به نحوی محسوس منجر به تخریب فزاینده منابع طبیعی موجود گردیده و این پیامد منفی همراه با نرخ بهره وری پایین نیروی کار، نرخ بالای بیکاری در بخش تولیدات روستایی و همچنین با گسترش تکنولوژی سرمایه بر امکان ایجاد فرصت های شغلی پایدار درآمد از طریق گسترش کارکردهای متکی بر منابع طبیعی در جهت

پاسخگویی به خیل عظیم نیروی بیکار که از سرمایه و مهارت چندانی بهره‌مند نیستند و مجبور به مهاجرت به شهرها می‌باشند را تا حدی غیر ممکن ساخته است.

ساختار تولید اقتصاد کشور در بخش کشاورزی با دارا بودن امکانات بالقوه و ظرفیتهای وسیع و قابل توسعه قادر است در زمینه های افزایش تولید و تقویت ثبات اقتصادی و ایجاد اشتغال نقش ارزنده ای ایفا کند. مضافاً اینکه شهرستان ابرکوه به لحاظ برخورداری از امکان کشت محصولات جالیزی نظیر هندوانه ، خربزه ، طالبی و محصولات صیفی مانند گوجه فرنگی، بادمجان، پیاز و کشت گلخانه ای نظیر خیار سبز نیز از موقعیت مناسبی بهره مند است که بنوبه خود می تواند مقوم اقتصاد کشاورزی منطقه باشد.

یکی از مشکلات عمده شهرستان ابرکوه بحث کاهش تدریجی سفره های آبی زیر زمینی و ضرورت چاره اندیشی در این خصوص با توجه به کاهش چشمگیر نزولات جوی است. مهم ترین استراتژی پایداری اقتصاد منطقه، اهتمام در امر بره گیری از استعدادهای بالقوه موجود در بخش کشاورزی می باشد. یعنی به فرض پیشرفت صنعت و سایر عرصه های اقتصادی، اهمیت کشاورزی نه تنها نقصان نیافته بلکه صنایع نیز ترجیحاً با اولویت صنایع تبدیلی و جانبی کشاورزی باید توسعه یابد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که توسعه فعالیت های بخش کشاورزی شهرستان ابرکوه در گرو به کارگیری استراتژی های زیر به ترتیب اولویت می باشد:

- ۱- ساماندهی کانون های تولید و فضاها و سکونتگاه های روستایی
- ۲- فراهم کردن بستر مناسب جهت به کارگیری نیروهای جوان و متخصص در بخش
- ۳- واگذاری بخشی از امور اجرایی و تحقیقاتی به بخش خصوصی و افزایش مشارکت پذیری در راستای این مهم پیشنهادات ذیل ارائه می گردد :
- ۱- تأمین آب از منابع غنی آبی همجوار که مطالعات آن می بایستی در صدر برنامه های سازمان آب منطقه ای قرار گیرد.
- ۲- تشویق کشاورزان به پرهیز از بکارگیری روش های غرقابی و استفاده از آبیاری های تحت فشار.
- ۳- بکارگیری روش های علمی و فنی در مراحل مختلف کشاورزی اعم از کاشت، داشت و برداشت محصولات جهت رسیدن به عملکرد قابل توجه و چشمگیر و تغییر کاشت به محصولات کم آب خواه نظیر زعفران و پسته.
- ۴- احداث ایستگاه تحقیقاتی کشاورزی در شهرستان و تجهیز آن با نیروی انسانی و لوازم فنی.

- ۵- بالا بردن توان علمی و فنی کلیه دست اندر کاران کشاورزی اعم از کارشناس، مروج، تکنسین، کشاورزی و دستیابی به اطلاعات علمی روز توسط افراد ذکر شده.
- ۶- احداث صنایع جانبی و صنایع تبدیلی از سوی شرکت های تعاونی تولید و کشاورزان جهت ایجاد اشتغال و بالا بردن سطح درآمد.
- ۷- تأمین آب شرب و علوفه مورد نیاز دام
- ۸- تخصیص اعتبارات مناسب برای دامداران
- ۹- خرید تضمینی محصولات و فرآورده های دامی.

منابع و مأخذ

۱. آسایش، حسین و نوذر قنبری (۱۳۸۵) مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه.
۲. اسکندری، جمشید و دین پناه. غلامرضا (۱۳۸۵) بررسی عوامل موثر بر ایجاد انگیزه اشتغال در جوانان روستایی در استان اصفهان، مجله جهاد، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۱۰-۱۳.
۳. اعرابی، سید محمد (۱۳۸۹)، دستنامه برنامه ریزی راهبردی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۴. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین و پورطاهری، مهدی و فرج زاده، منوچهر و وکیل حیدری ساربان (۱۳۸۸) نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی مطالعه موردی استان اردبیل، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۰۳-۸۷.
۵. تقدیسی، احمد و محمدرضا بسحاق (۱۳۸۹) چالش های کشاورزی و تاثیر آنها بر جمعیت روستایی با تاکید بر تغییرات سطح زیر کشت، فصلنامه پژوهش های روستایی، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.
۶. جهاد کشاورزی شهرستان ابرکوه (۱۳۸۹) آمار کشاورزی شهرستان در سال ۱۳۸۹.
۷. حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۶)، تدوین استراتژی توسعه بخش کشاورزی استان یزد، جهاد کشاورزی استان یزد.
۸. دهقان، احمد و هومن فتحی (۱۳۸۴) چارچوب استراتژی توسعه پایدار بخش کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران، گزارش نهایی پروژه TCP/IRA/0168، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

۹. رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۲) آزادسازی اقتصادی و مسئله جابه جایی درآمد بین بخش کشاورزی و غیر کشاورزی، فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول.
۱۰. رفعت، فرهاد (۱۳۸۹) تدوین استراتژی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، دستنامه برنامه ریزی راهبردی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان یزد.
۱۲. فرد، دیوید (۱۳۸۸) مدیریت راهبردی، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ سیزدهم.
۱۳. مطیعی لنگرودی، سیدحسن و ابراهیم شمسایی (۱۳۸۸) توسعه و کشاورزی پایدار از دیدگاه اقتصاد روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. مهندسین مشاور آبانگه یزد (۱۳۸۵) مطالعه امکانات کنترل و صرفه جویی در آب کشاورزی و سایر مصارف در دشت ابرکوه، شرکت سهامی آب منطقه ای یزد.
۱۵. نراقی، یوسف (۱۳۷۰) توسعه و کشورهای توسعه نیافته، شرکت سهامی انتشار.
۱۶. نوروزی آورگانی، اصغر و نوری، سیدهدایت اله و صدیقه کیانی سلمی (۱۳۸۹) ارزیابی توان های محیطی برای توسعه کشاورزی (مطالعه موردی ناحیه چغاخور شهرستان بروجن)، فصلنامه پژوهش های روستایی، سال ۱، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۵.
۱۷. نوری نائینی، محمد سعید (۱۳۷۲) تحقیقات کشاورزی؛ ضرورتی برای توسعه اقتصادی، ملاحظات نظری و واقعتهای ایران، فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره یک.
۱۸. ورزگر، شراره (۱۳۷۲) جمعیت فزاینده، مسئله تغذیه و صنایع تغذیه، فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره یک.

Irish Leader Network, (2000) **Strategic Plan**, Journal of Rural Studies, Vol 14, 1, 25-27.